

Quarterly Journal of Fiscal and Economic Policies

Winter 2024, Vol. 12, No. 48, PP. 7-47

Presenting a Privatization Model for State-Owned Enterprises with an Emphasis on Financial and Non-Financial Factors (a Case Study of Iran)

Hojjat Ghasemi

PhD Candidate, Department of Accounting, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran

Akbar Kanani*

Assistant Professor, Department of Accounting, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran

Ebrahim Navidi Abbaspoor

Assistant Professor, Department of Accounting, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran

Heidar Mohammadzadeh Saltahe

Associate Professor, Department of Accounting, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran

Received: 04/11/2024

Accepted: 26/02/2025

Abstract:

Objectives: Given significant issues such as globalization, the creation of a competitive environment, and government downsizing, the need for privatization feasibility studies in our country has become increasingly evident. Previous studies have primarily focused on the efficiency and economic aspects of privatization. This research aims to examine the financial and non-financial criteria and factors influencing privatization to propose an optimal privatization model based on these criteria.

Methodology: This study employs the Delphi method and Interpretive Structural Modeling (ISM), utilizing purposive, explanatory, and exploratory approaches to determine privatization patterns with an emphasis on financial and non-financial factors. Data collection involved a combination of previous studies and information gathered through the Delphi technique from managers and policymakers in privatization organizations.

Findings: Six key criteria for privatization were identified: economic factors, financial and accounting criteria, political factors, private sector development, government performance, and cultural and public dimensions. A hierarchical approach was used to create a tree structure, evaluate options based on criteria, and assess the criteria based on the objective function. The Expert Choice software was then utilized for prioritization and the development of an optimal model.

Conclusion: Based on theoretical studies and data collected from privatization organization experts, the results from pairwise comparison questionnaires indicate that political factors rank highest among privatization components with a score of 0.226, requiring the most attention from experts. Economic factors (0.202) rank second, followed by cultural and public dimensions (0.191), financial and accounting criteria (0.171), private sector development (0.119), and finally, government performance (0.084) in the prioritization of privatization components with an emphasis on financial and non-financial factors. The consistency ratio of 0.007 falls within the acceptable range.

Interpretive Structural Modeling (ISM) results, combined with reanalyzing the study's findings, introduced a three-tier model for privatization components. Political factors were positioned at the highest level, followed by economic factors, financial and accounting criteria, and private sector development in the second level. Government performance and cultural and public dimensions were categorized in the third level. The distinction between ISM and hierarchical analysis is that ISM seeks to develop an optimal model, whereas hierarchical analysis focuses on determining the priority of each criterion. These findings have the potential to influence decision-making in the private sector, and prioritizing financial and non-financial privatization components could lead to shifts in current decision-making approaches for privatization.

JEL Classification: H11, H19, C58, H5

Keywords: Privatization, Non-Financial Factors, Financial Factors, Privatization Components.

1* Corresponding Author, Email: Akbarkanani2000@yahoo.com

سال دوازدهم، شماره ۴۸، زمستان ۱۴۰۳، صفحات ۴۷-۷

ارائه الگوی خصوصی سازی بنگاه‌های دولتی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی (مطالعه موردی ایران)

حجت قاسمی

دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد مرنده، دانشگاه آزاد اسلامی، مرنده، ایران

Hojjatgasemi.acc@gmail.com

اکبر کنعانی

استادیار، گروه حسابداری، واحد مرنده، دانشگاه آزاد اسلامی، مرنده، ایران (نویسنده مسئول)

Akbarkanani2000@yahoo.com

ابراهیم نویدی عباسپور

استادیار، گروه حسابداری، واحد مرنده، دانشگاه آزاد اسلامی، مرنده، ایران

ebrahim.navidi@marandiau.ac.ir

حیدر محمدزاده سالطه

دانشیار، گروه حسابداری، واحد مرنده، دانشگاه آزاد اسلامی، مرنده، ایران

salteh2008@gmail.com

اهداف: نظر به مسائل مهمی مانند جهانی شدن و ایجاد محیط رقابتی و کوچک سازی دولت‌ها، در کشور ما نیز بیش از پیش نیاز به مقوله خصوصی سازی، نیاز به مطالعه امکان سنجی است. بررسی هایی که در این مورد صورت گرفته بیش تر به جنبه های کارایی و اقتصادی مسئله پرداخته اند. در این پژوهش سعی شده است تا معیارها و عوامل مالی و غیرمالی تأثیر گذار بر خصوصی سازی بررسی شوند تا یک مدل بهینه از خصوصی سازی با توجه به معیارها و عوامل مالی و غیرمالی ارائه شود. روش شناسی: این پژوهش با استفاده از روش دلفی و مدل سازی تفسیری ساختاری، از روش های هدفمند، تبیینی و اکتشافی برای تعیین الگوهای خصوصی سازی با تأکید بر معیارها و عوامل مالی و غیرمالی استفاده کرده است. گردآوری داده های این پژوهش، ترکیبی از مطالعات قبلی و داده های به دست آمده از تکنیک دلفی از مدیران و سیاست گذاران سازمان های خصوصی سازی بود. یافته ها: شش معیار به عنوان مؤلفه های خصوصی سازی شامل عوامل اقتصادی، معیارهای مالی و حسابداری، عوامل سیاسی، ارتقای بخش خصوصی، عملکرد دولت و ابعاد فرهنگی و عمومی شناسایی شد. یک رویکرد سلسله مراتبی برای ایجاد یک ساختار درختی، ارزیابی گزینه ها بر اساس معیارها و ارزیابی معیارها بر اساس تابع هدف استفاده شد. سپس از نرم افزار Expert Choice برای اولویت بندی و ارائه مدلی بهینه در این زمینه استفاده شد. نتیجه گیری: بر اساس بررسی های مبانی نظری و داده های جمع آوری شده از کارشناسان سازمان خصوصی سازی و پس از بررسی های انجام شده بر روی پرسشنامه مقایسه های زوجی معیارهای مورد بررسی، نتایج نشان می دهد که عوامل سیاسی با مقدار ۰.۲۲۶ در اولویت اول از مؤلفه های خصوصی سازی قرار گرفته و نیازمند توجه بیشتر کارشناسان است، در رتبه های بعدی عوامل اقتصادی با ارزش ۰.۲۰۲ در رتبه دوم، ابعاد فرهنگی و عمومی با ارزش ۰.۱۹۱ در رتبه سوم، معیارهای مالی و حسابداری با ارزش ۰.۱۷۱ در رتبه چهارم، ارتقای بخش خصوصی با ارزش ۰.۱۱۹ در رتبه پنجم و در نهایت عملکرد دولت با ارزش ۰.۰۸۴ در رتبه ششم اولویت بندی مؤلفه های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی قرار گرفته اند. همچنین نرخ سازگاری ۰.۰۰۷ و محدوده قابل قبولی قرار دارد. با توجه به بررسی های به عمل آمده از تحلیل ساختاری تفسیری و تحلیل مجدد یافته های پژوهش از ۶ بعد اصلی شناخته شده در زمینه مؤلفه های خصوصی سازی در مدلی با سه سطح به عنوان الگوی مؤلفه های خصوصی سازی با تأکید بر معیارها و عوامل مالی و غیرمالی معرفی می شود. بر این اساس عوامل سیاسی در بالاترین سطح و عوامل اقتصادی، معیارهای مالی و حسابداری و ارتقای بخش خصوصی در سطح دوم و عملکرد دولت و ابعاد فرهنگی و عمومی در رتبه سوم سطح الگوی مؤلفه های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی قرار گرفتند، دلیل این تفاوت به نسبت تحلیل سلسله مراتبی را می توان در آن جستجو کرد که مدل تحلیل ساختاری تفسیری به دنبال الگوی بهینه یک موضوع است و تحلیل سلسله مراتبی به دنبال تعیین اولویت هر یک از معیارها است. این نتایج پتانسیل تأثیر گذاری بر تصمیم گیری ها در بخش خصوصی را دارد و برای نجات بخش خصوصی از ناکارآمدی، اولویت بندی مؤلفه های مالی و غیرمالی خصوصی سازی می تواند منجر به تغییر در شیوه های تصمیم گیری فعلی مدیران برای بخش خصوصی سازی شود.

طبقه بندی H11, H19, C58, H5JEL

واژگان کلیدی: خصوصی سازی، عوامل غیرمالی، عوامل مالی، مؤلفه های خصوصی سازی.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۸

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۴

۱. مقدمه

با توجه به فعالیت‌های اقتصادی مثبت و اثربخش دولت‌ها در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به تدریج با گسترش دامنه فعالیت‌ها به دلیل مشکلاتی نظیر بوروکراسی شدید، ضعف سیستم مدیریتی، فقدان سیستم مناسب ارزیابی و حسابرسی، فقدان انگیزه کاری، تعدد در اهداف، استفاده نامطلوب از انحصارات، حمایت‌های غیر کارا و ... طی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، عدم کارایی بر فعالیت‌های اقتصادی دولت‌ها حاکم شد و موجب عدم موفقیت آن‌ها در تحقق اهداف گردید (زاره نژاد و همکاران، ۱۳۹۲). این مشکلات باعث شد اکثر دولت‌ها طی دو سه دهه اخیر ابتدا تلاش نمایند از طریق انجام اصلاحاتی از قبیل حذف حمایت شرکت‌ها از رقابت داخلی و خارجی، از بین بردن امکان دستیابی شرکت‌ها به تسهیلات اعتباری ارزان و ایجاد موانع بودجه‌ای سخت، حذف اهداف غیرتجاری شرکت‌ها، ایجاد استقلال در مدیریت و اداره شرکت‌ها، کاهش تعرفه‌های گمرکی و بازرگانی، استفاده از مکانیزم‌های ارزیابی عملکرد برای حساب‌دهی مدیران و بدون انتقال هیچ گونه مالکیت و مدیریتی، به افزایش کارایی در فعالیت‌های اقتصادی بنگاه‌های دولتی بپردازند (فیاض و همکاران، ۱۳۹۶). نتایج حاصل از اصلاحات مذکور در اکثر قریب به اتفاق کشورها رضایت‌بخش نبود، زیرا در تشکیلات بوروکراسی دولتی، افزایش کارایی، تضمین استقلال مدیریت و به کارگیری انضباط مالی حاکم بر بازار کاری دشوار است (مالکی، ۱۴۰۱). در نتیجه، گرایش به سوی مکانیزم خودسازمان بخش بازار و انجام سیاست‌های آزادسازی، مقررات زدایی و خصوصی سازی همراه با واگذاری مالکیت و مدیریت به عنوان راهبردهایی عقلایی در جهت مقابله با مسائل و مشکلات اقتصادی و افزایش کارایی به طور وسیعی مورد حمایت دولت‌ها قرار گرفت (مهدی زاده رستم و همکاران، ۱۴۰۰). در ایران نیز اولین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موضوع واگذاری فعالیت‌های اقتصادی دولت به بخش خصوصی در قالب سیاست خصوصی سازی مطرح و زمینه‌های اجرایی آن تصویب شد. از آن زمان تاکنون موفقیت سیاست خصوصی سازی و اجرای آن به یکی از پیچیده‌ترین دغدغه‌های اقتصادی مسئولین و مدیران تبدیل شده و مباحث زیادی را به دنبال داشته است (مهری و همکاران، ۱۴۰۲). طی دهه‌های گذشته

دولت ها برای دستیابی به اهداف توسعه ای و حداکثر کردن رفاه اجتماعی، شرکت های دولتی متعددی را ایجاد کرده اند. لیکن بروز نتایج نامطلوب اقتصادی - مالی شرکت های مزبور طی سال های اخیر، نبود توجه فنی - اقتصادی و مالی برای دخالت دولت در برخی از فرآیندهای تولیدی و محدودیت های مالی - اقتصادی دولت برای اداره و تصدی فعالیت ها، اجرای سیاست خصوصی سازی در بخش شرکت های دولتی را اجتناب ناپذیر ساخته است. همچنین حجم بالای دولت در اقتصاد، حضور شرکت های دولتی در فعالیت های غیر ضروری اقتصادی، رقابت پذیری پایین اقتصاد در سطح ملی و بین المللی، عدم توسعه بخش خصوصی فعال در حوزه های سرمایه گذاری، ضعف بازار سرمایه برای توسعه بخش خصوصی، عدم توزیع مناسب منابع و فرصت ها بین بخش دولتی و غیردولتی، بعد از پایان جنگ تحمیلی سبب عدم کارایی دولت گردیده بود. لذا واگذاری فعالیت های اقتصادی به بخش خصوصی و کناره گیری دولت از فعالیت های اقتصادی به عنوان یکی از راه حل های قابل تصور برای رفع مشکلات اقتصادی و افزایش رشد مطرح گردید. در ایران خصوصی سازی بنگاه های دولتی به ویژه از اواخر دهه ۱۳۷۰ و پس از تصویب قانون سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در سال ۱۳۸۴ آغاز شد. هدف از این برنامه ها کاهش نقش دولت در اقتصاد، افزایش کارایی بنگاه ها، جذب سرمایه گذاری خصوصی و خارجی و در نهایت توسعه رقابت در بخش های مختلف اقتصادی کشور بود. برای خصوصی سازی موفق و مؤثر بنگاه های دولتی در ایران ملزم به ارائه برنامه ریزی دقیق است. برنامه ریزی برای خصوصی سازی بنگاه های دولتی در ایران یک فرایند پیچیده و بلندمدت است که نیازمند توجه به جنبه ها و معیارهای مالی و غیرمالی است و عدم توجه به این معیارها می تواند عدم موفقیت یا شکست در خصوصی سازی بنگاه های دولتی را به همراه داشته باشد. از این رو در این پژوهش سعی شده است تا برای ارائه یک الگوی خصوصی سازی، معیارها و عوامل مالی و غیرمالی تأثیرگذار بر خصوصی سازی بنگاه های دولتی بررسی شوند.

۲. مبانی نظری پژوهش

خصوصی‌سازی بخشی از فرایندهای اقتصادی است که به منظور کاهش تصدی‌گری دولت و انتقال مالکیت بنگاه‌های دولتی به بخش خصوصی صورت می‌گیرد. این فرایند در جهت افزایش بهره‌وری و کارایی در بخش دولتی، افزایش رقابت و کاهش بار مالی دولت انجام می‌شود. اما برای اجرای مؤثر خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی نیازمند یک استراتژی جامع و به دقت طراحی شده است. در این پژوهش، مراحل و استراتژی‌های کلیدی در اجرای خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی شامل معیارهای مالی و غیرمالی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که در ادامه به توضیح آن‌ها پرداخته می‌شود.

معیارهای مالی

خصوصی‌سازی به عنوان یک فرایند اقتصادی مهم می‌تواند به بهبود کارایی و افزایش بازدهی بنگاه‌ها منجر شود. اما برای دستیابی به نتایج مطلوب، لازم است که معیارهای مالی مشخص و معتبر برای ارزیابی و اجرای برنامه‌های خصوصی‌سازی مورد توجه قرار گیرند. شناخت این معیارها به سیاست‌گذاران و مدیران کمک می‌کند تا برنامه‌های موفق‌تری را طراحی و اجرا کنند. روش‌های متعددی بر ارزیابی ابعاد مالی وجود دارد که به طور کلی می‌توان آن‌ها را به دو دسته مدل‌های مالی و حسابداری و مدل‌های اقتصادی تقسیم کرد:

معیارهای حسابداری

معیارهای حسابداری ارزیابی ابعاد مالی بر صورت سود و زیان و ترازنامه تأکید دارند؛ بدین معنی که یک جریان خروجی وجه نقد می‌تواند به عنوان هزینه در صورت سود و زیان و یا به عنوان یک دارایی سرمایه‌ای در ترازنامه منعکس شود که در نتیجه آن ارائه صورت سود و زیان و ترازنامه متفاوت ناشی از به کارگیری رویه‌های مختلف است. نسبت بازده حقوق صاحبان سهام، بازده دارایی‌ها و سود هر سهم از جمله معیارهای ابعاد مالی حسابداری به شمار می‌روند (آل نوری فروشانی، ۱۴۰۱).

حاصل سیستم اطلاعات حسابداری، گزارش‌های مالی است که سود گزارش شده در آن‌ها از اهمیت زیادی برای استفاده کنندگان برخوردار است. سرمایه‌گذاران با اتکا به سود حسابداری، ابعاد مالی شرکت را ارزیابی کرده و پیش‌بینی‌های خود را بر آن اساس انجام می‌دهند. مدیران نیز از سود برای برنامه‌ریزی آینده شرکت استفاده می‌کنند. در مدل حسابداری، ارزیابی عملکرد، ارزش شرکت از حاصل ضرب دو عدد به دست می‌آید؛ عدد اول، سود شرکت و عدد دوم، ضرب تبدیل سود به ارزش است. همان‌طور که پیش از این نیز بیان شد در مدل‌های حسابداری ارزیابی عملکرد، ارزش یک شرکت، تابعی از معیارهای مختلفی نظیر سود، سود هر سهم، نرخ رشد سود، بازده حقوق صاحبان سهام، بازده سرمایه‌گذار، جریان نقدی آزاد و سود تقسیمی است (سلیمی بنماران، ۱۴۰۱).

در دهه‌های آخر قرن بیستم میلادی در بسیاری از واحدهای تجاری ارزیابی ابعاد مدیران و تنظیم طرح‌های پاداشی به تغییرات سود حسابداری و سود هر سهم وابسته بوده است، همچنین از سایر مقیاس‌های حسابداری نیز در این رابطه استفاده شده است. این مقیاس‌ها در سیر تکوین و تکامل خود از بازدهی حقوق صاحبان سهام و بازدهی خالص دارایی‌ها و یا بازدهی سرمایه‌گذاری‌ها استفاده نموده‌اند (سلیمی بنماران، ۱۴۰۱).

معیارهای اقتصادی

در پاسخ به انتقادات وارد به معیارهای ابعاد حسابداری، معیارهای ابعاد اقتصادی ظهور یافتند. برخی از مهم‌ترین این معیارها از جمله ارزش افزوده اقتصادی، ارزش افزوده بازار و سود باقیمانده است (رستگار و اسکندر پور، ۱۴۰۱).

همان‌طور که در بخش مربوط به مدل‌های حسابداری ارزیابی ابعاد مالی نیز بیان شد علیرغم کاربردهای مختلف سود حسابداری، برخی معتقد بودند که سود حسابداری معیار مناسبی برای ارزیابی ابعاد مالی شرکت نیست؛ برای مثال، با استفاده از هر یک از روش‌های مختلف ارزیابی، اندازه‌گیری و شناسایی موجودی کالا، مخارج پژوهش و توسعه و استهلاک دارایی‌های ثابت، مبلغ سود نیز متفاوت خواهد بود در حالی که این تفاوت به دلیل نحوه عملکرد نیست؛ بلکه به دلیل

استفاده از روش‌های مختلف حسابداری است. معرفی معیارهای اقتصادی ارزیابی عملکرد، نتیجه تلاش پژوهشگران برای رفع نارسایی‌های مدل‌های مبتنی بر اعداد حسابداری است (فروغی مازندرانی و شاهوردیانی، ۱۴۰۲). در مدل‌های اقتصادی، ارزش شرکت، تابعی از قدرت سودآوری، اولویت‌های موجود، سرمایه‌گذاری‌های بالقوه و مابه‌التفاوت نرخ بازده و هزینه سرمایه شرکت است. در بین مفاهیم متعدد، معیارهای اندازه‌گیری سود باقیمانده که در سال‌های اخیر مطرح شده است، استفاده از ارزش‌های دفتری و ارزش‌های بازار در تعیین هزینه سرمایه تفاوت چشمگیری بین نتایج حاصل از آن‌ها را موجب شده است. اندازه‌گیری‌های مختلف در مدل‌های ارزیابی عملکرد، منجر به معیارهای متفاوتی شده است (رستگار و اسکندر پور، ۱۴۰۱).

معیارهای غیرمالی

خصوصی‌سازی به عنوان یک استراتژی اقتصادی و مدیریتی با هدف بهبود کارایی و افزایش رقابت‌پذیری بنگاه‌ها در بسیاری از کشورها اجرا می‌شود. اما موفقیت یا شکست این فرایند تنها به عوامل مالی وابسته نیست. معیارهای غیرمالی نیز تأثیر بسزایی بر روند خصوصی‌سازی دارند و در صورت نادیده گرفتن آن‌ها، می‌تواند منجر به بروز مشکلات جدی شود. در این پژوهش، به چهار بخش اصلی که معیارهای غیرمالی را تشکیل می‌دهند پرداخته می‌شود:

معیارهای سیاسی

عوامل سیاسی نقش حیاتی در فرآیند خصوصی‌سازی ایفا می‌کنند و می‌توانند به شکل‌دهی و تعیین موفقیت یا ناکامی این فرآیند کمک کنند. در ادامه به مهم‌ترین عوامل سیاسی در خصوصی‌سازی اشاره می‌شود:

۱. ایدئولوژی سیاسی: باورهای ایدئولوژیک دولت‌ها، از جمله حمایت از اقتصاد آزاد یا مداخله دولتی، می‌تواند تأثیر زیادی بر تصمیم به خصوصی‌سازی داشته باشد. دولت‌های لیبرال معمولاً تمایل بیشتری به خصوصی‌سازی دارند در حالی که دولت‌های سوسیالیستی یا مداخله‌گر ممکن است بر حفظ کنترل دولتی تأکید کنند.

۲. حمایت و فشار عمومی: مخالفت یا حمایت عمومی می‌تواند بر تصمیم‌گیری درباره خصوصی سازی تأثیر بگذارد. در کشورهایی که مردم از خصوصی سازی حمایت می‌کنند، احتمال اجرای موفق آن بیشتر است. برعکس، اگر مردم نگران تبعات اجتماعی یا اقتصادی خصوصی سازی باشند، این فرآیند ممکن است با مقاومت مواجه شود.
۳. تأثیر لابی‌ها و گروه‌های ذینفع: فعالیت‌های لابی‌گری و فشار گروه‌های اقتصادی می‌تواند تأثیر زیادی بر سیاست‌های خصوصی سازی داشته باشد. این گروه‌ها معمولاً تلاش می‌کنند تا منافع خود را از طریق نفوذ بر سیاست‌گذاران تأمین کنند.
۴. تغییرات سیاسی و اصلاحات: تغییرات در دولت‌ها، اعم از انتخاباتی یا برکناری، می‌تواند به تغییر در رویکرد به خصوصی سازی منجر شود. دولت‌های جدید ممکن است سیاست‌های متفاوتی نسبت به خصوصی سازی داشته باشند.
۵. ثبات سیاسی: وجود یک محیط سیاسی پایدار و پیش‌بینی‌پذیر می‌تواند اعتماد سرمایه‌گذاران را جلب کند و شرایط بهتری برای خصوصی سازی ایجاد کند. در مقابل، بی‌ثباتی سیاسی می‌تواند سرمایه‌گذاران را از سرمایه‌گذاری در روند خصوصی سازی منصرف کند.
۶. مؤسسات و نهادهای دولتی: قدرت، ساختار و کارایی نهادهای دولتی می‌تواند بر فرایند خصوصی سازی تأثیر بگذارد. نهادهای قوی و معتبر می‌توانند فرآیند خصوصی سازی را تسهیل کنند، در حالی که نهادهای ضعیف ممکن است منجر به بروز فساد و ناکارآمدی شوند.
۷. روابط بین‌المللی و فشارهای خارجی: فشارهای بین‌المللی می‌تواند نقش مهمی در خصوصی سازی ایفا کند. سازمان‌های بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول ممکن است به کشورهای در حال توسعه فشار بیاورند که فرایندهای خصوصی سازی را به منظور دریافت وام یا حمایت مالی تسهیل کنند.

معیارهای عملکرد دولت

عملکرد دولت می‌تواند تأثیرات عمیقی بر فرآیند خصوصی سازی و نتایج آن داشته باشد. به عنوان یکی از نهادهای اصلی در این فرایند، دولت وظیفه طراحی و اجرای سیاست‌ها، نظارت بر بازار و مدیریت نقل و انتقال دارایی‌ها را بر عهده دارد. در ادامه به برخی از تأثیرات کلیدی عملکرد دولت بر خصوصی سازی اشاره می‌شود:

۱. طراحی و اجرای سیاست‌های خصوصی سازی:
 - تدوین چارچوب قانونی: دولت باید یک چارچوب قانونی و مقرراتی مناسب برای تسهیل فرآیند خصوصی سازی فراهم کند. این چارچوب شامل قوانین و مقررات مربوط به فروش دارایی‌ها، ضمانت‌های حقوقی سرمایه‌گذاران و شیوه‌های شفاف مزایده‌ی دارایی‌ها است.
 - آشناسازی با فرآیند خصوصی سازی: دولت باید اهالی کسب و کار و سرمایه‌گذاران را با فرآیند خصوصی سازی آشنا کند و اطمینان حاصل کند که آن‌ها قادر به درک شرایط و قواعد خصوصی سازی باشند.
۲. نظارت و حفاظت از منافع عمومی:
 - حفاظت از منافع عمومی: دولت باید نظارت کند تا اطمینان حاصل کند که خصوصی سازی منجر به آسیب به منافع عمومی یا کاهش کیفیت خدمات نباشد. برای مثال، در خدمات پایه‌ای مانند آب، برق و بهداشت، دولت باید اطمینان حاصل کند که دسترسی به این خدمات برای همه اقشار جامعه فراهم است.
 - پیشگیری از انحصار: دولت باید بر فرآیندهای خصوصی سازی نظارت کند تا از بروز انحصارها و سوءاستفاده‌های احتمالی در بازار جلوگیری کند.
۳. مدیریت سرمایه گذاری:
 - تقویت اعتماد سرمایه‌گذاران: عملکرد مؤثر دولت می‌تواند به تقویت اعتماد سرمایه‌گذاران و جذب سرمایه‌های خصوصی کمک کند. دولت باید نشان دهد که فرآیند خصوصی سازی شفاف، عادلانه و بدون فساد است.

- تأمین منابع مالی: دولت می‌تواند با ایجاد سرمایه‌گذاری‌های کلان و یا ارائه تسهیلات مالی، به تحریک رشد و توسعه پس از خصوصی سازی کمک کند.
- ۴. برنامه‌ریزی و مدیریت تغییر:
 - توسعه برنامه‌های انتقال: دولت باید برنامه‌های خاصی برای مدیریت انتقال از بخش دولتی به خصوصی داشته باشد تا اطمینان حاصل شود که فرآیند به آرامی انجام می‌شود و افراد مرتبط (کارکنان، مشتریان و ...) تحت تأثیر نامطلوب قرار نگیرند.
 - آموزش و توانمندسازی: دولت می‌تواند از طریق برنامه‌های آموزشی و توانمندسازی، به نوآوری و کارایی در بخش خصوصی کمک کند.
- ۵. برقراری تعادل بین بخش‌های مختلف:
 - تأثیر اجتماعی: دولت باید به تأثیرات اجتماعی و اقتصادی خصوصی سازی توجه کند و تدابیر لازم برای کاهش پیامدهای منفی (مانند افزایش بیکاری یا نابرابری درآمدی) را اتخاذ کند.
 - تعادل منطقه‌ای: همچنین، دولت باید تلاش کند تا تأثیرات منفی بر روی مناطق خاصی را که ممکن است در نتیجه خصوصی سازی آسیب ببینند، به حداقل برساند.
- ۶. بازخورد و ارزیابی:
 - نظارت و ارزیابی مستمر: دولت باید نظارت و ارزیابی مستمری بر نتایج خصوصی سازی داشته باشد تا بتواند تغییرات لازم را اعمال کند و از تجربه‌های گذشته برای بهبود فرآیند استفاده کند.

معیارهای ابعاد فرهنگی و عمومی

ابعاد فرهنگی و عمومی می‌توانند تأثیرات قابل توجهی بر فرآیند و نتایج خصوصی سازی داشته باشند. این تأثیرات می‌توانند شامل باورها، ارزش‌ها، انتظارات و رفتارهای عمومی باشند که ممکن است بر روی پذیرش و اجرای خصوصی سازی تأثیر بگذارند. در ادامه مهم‌ترین معیارهای ابعاد فرهنگی و عمومی بررسی می‌شود:

۱. باورهای فرهنگی:

- نگرش به مالکیت خصوصی: در جوامعی که مالکیت خصوصی و کارآفرینی ارزشمند تلقی می‌شود، امکان موفقیت خصوصی سازی بیشتر است. برعکس، در جوامعی که به مالکیت دولتی یا اجتماعی ارزش بیشتری داده می‌شود، ممکن است با مقاومت بیشتری در برابر خصوصی سازی مواجه شویم.

- توجه به کارایی: اگر فرهنگ جامعه به کارایی و کارآمدی خدمات تأکید کند، احتمال پذیرش خصوصی سازی و اعتماد به بخش خصوصی بیشتر خواهد بود.

۲. انتظارات اجتماعی:

- انتظارات از دولت: مردم ممکن است انتظار داشته باشند که دولت در ارائه خدمات عمومی مؤثر و کارآمد عمل کند. اگر این انتظارات برآورده نشود و افراد خود را در فرایند خصوصی سازی شامل ببینند، این ممکن است به مقاومت در برابر خصوصی سازی منجر شود.
- امنیت شغلی: نگرانی‌های مربوط به امنیت شغلی در بخش خصوصی ممکن است بر روی تصور عمومی درباره خصوصی سازی تأثیر بگذارد. اگر مردم نگران از دست دادن شغل‌های خود در نتیجه خصوصی سازی باشند، احتمالاً مقاومت بیشتری نشان خواهند داد.

۳. نقش رسانه‌ها و تبلیغات:

- رسانه‌ها به عنوان تأثیرگذاران: رسانه‌ها می‌توانند تأثیر مثبت یا منفی بر روی درک عمومی از خصوصی سازی داشته باشند. پوشش‌های خبری، تجزیه و تحلیل‌ها و نظرها می‌تواند دیدگاه‌های عمومی را شکل دهد و بر روی تصورات فرهنگی تأثیر بگذارد.
- فرصت‌های آموزشی: رسانه‌ها همچنین می‌توانند به آموزش عموم درباره مزایا و معایب خصوصی سازی پرداخته و شفافیت بیشتری را ایجاد کنند.

۴. محیط اجتماعی و ساختار جامعه:

- تنوع اجتماعی: جوامع با ساختار اجتماعی متنوع، ممکن است نسبت به خصوصی سازی واکنش‌های مختلفی نشان دهند. تفاوت‌های طبقاتی، قومیتی و منطقه‌ای می‌تواند به ایجاد ناآرامی‌ها یا حمایت‌های مختلف منجر شود.
- مدیریت منافع افراد: دولت‌ها باید به نیازها و خواسته‌های گروه‌های مختلف اجتماعی توجه کرده و به تضمین حقوق و منافع همه اقشار جامعه در فرایند خصوصی سازی بپردازند.
- ۵. تجربه‌های گذشته:
- سابقه خصوصی سازی: تجربه‌های پیشین جامعه از خصوصی سازی می‌تواند بر روی نحوه درک و پذیرش آن تأثیرگذار باشد. اگر خصوصی سازی‌های گذشته به نتایج مثبت و موفقیت‌آمیز منجر شده باشند، احتمال پذیرش آن در آینده بیشتر است و برعکس.
- ۶. مشارکت عمومی و شفافیت:
- مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری: اگر شهروندان در فرایند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی خصوصی سازی مشارکت کنند و صدای آن‌ها شنیده شود، احتمالاً پذیرش عمومی افزایش خواهد یافت.
- شفافیت: وجود شفافیت در فرآیندهای خصوصی سازی و تصمیم‌گیری می‌تواند به ایجاد اعتماد در جامعه کمک کند و در نتیجه، تأثیرات منفی ناشی از مقاومت عمومی را کاهش دهد.

معیارهای ترفیع بخش خصوصی

ترفیع بخش خصوصی به معنای تقویت نقش و گسترش فعالیت‌های بخش خصوصی در اقتصاد و کاهش نقش دولت در تصدی‌گری است. در ادامه مهم‌ترین معیارهای ترفیع بخش خصوصی که می‌توانند بر فرآیند و نتایج خصوصی سازی تأثیرگذار باشند بررسی می‌شوند:

۱. حمایت از نوآوری و فناوری:
 - سرمایه‌گذاری در R&D (تحقیق و توسعه): ترفیع بخش خصوصی باید شامل تشویق به سرمایه‌گذاری در نوآوری‌ها و فناوری‌ها باشد. با افزایش نوآوری، بنگاه‌های خصوصی توانایی بهبود کارایی و رقابت‌پذیری خود را افزایش می‌دهند.
 - همکاری با دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی: ایجاد شبکه‌ای از همکاری بین بنگاه‌های خصوصی و مراکز آموزشی می‌تواند به انتقال دانش و فناوری کمک کند و منجر به ایجاد محصولات و خدمات جدید گردد.
۲. تسهیل دسترسی به منابع مالی:
 - ایجاد تسهیلات مالی: ارائه تسهیلات، وام‌ها و تسهیلات مالی مناسب برای سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی، به‌ویژه برای بنگاه‌های کوچک و متوسط، می‌تواند موجب تشویق آن‌ها به مشارکت در خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی شود.
 - تشویق سرمایه‌گذاری خارجی: تسهیل روند جذب سرمایه‌گذاری خارجی و اعطای معافیت‌های مالیاتی و تشویقی به شرکت‌های خارجی می‌تواند بخشی از استراتژی ترفیع بخش خصوصی باشد.
۳. تقویت زیرساخت‌ها:
 - بهبود زیرساخت‌های فیزیکی و دیجیتال: توجه به بهبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل، ارتباطات و اینترنت به‌عنوان عوامل مؤثر در تسهیل فعالیت‌های بخش خصوصی و قانونی‌سازی خصوصی‌سازی ضروری است.
 - توسعه مناطق ویژه اقتصادی: ایجاد مناطق ویژه با تسهیلات و معافیت‌های مالیاتی می‌تواند به تقویت بخش خصوصی و تسهیل فرآیند خصوصی‌سازی کمک کند.

۴. توسعه مهارت ها و نیروی کار:

- آموزش و توانمندسازی نیروی کار: برنامه های آموزشی برای ارتقاء مهارت های نیروی کار در بخش خصوصی و آموزش آن ها برای مدیریت بنگاه های خصوصی شده، به تأمین منابع انسانی کارآمد کمک می کند.
- توجه به نیازهای بازار کار: ایجاد برنامه های آموزشی متناسب با نیازهای بازار کار می تواند مشکل کمبود مهارت و نیروی کار را کاهش دهد.

۳. پیشینه پژوهش

در ایران، سیاست خصوصی سازی و واگذاری شرکت های دولتی بر اساس مفاد تبصره ۳۲ و سیاست های برنامه اول توسعه کشور در سال ۱۳۷۰، با انتشار اولین بیانیه رسمی دولت اجرا شد که تاکنون پژوهش های مختلفی در زمینه خصوصی سازی بنگاه های دولتی و تأثیر آن بر بنگاه های دولتی انجام شده است ولی پژوهشی که به دنبال ارائه یک مدل خصوصی سازی بر اساس معیارها و عوامل مالی و غیرمالی تأثیرگذار بر بنگاه های دولتی باشد انجام نگرفته است. در جدول زیر به برخی پژوهش هایی که در زمینه خصوصی سازی انجام شده است اشاره می شود:

جدول ۱. خلاصه پیشینه پژوهش

نام محققان	سال پژوهش	عنوان پژوهش	روش پژوهش	نتایج پژوهش
جندقی اردکانی و همکاران	۱۴۰۲	بررسی عوامل مالی و غیرمالی مؤثر بر تصمیم گیری های سرمایه گذاران بورس اوراق بهادار	توصیفی پیمایشی	برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد عوامل مالی بر تصمیم گیری سرمایه گذاران تأثیر معنادار دارد، همچنین عوامل غیرمالی نیز بر تصمیم گیری سرمایه گذاران تأثیرگذار است. در نتیجه این پژوهش می تواند به اهمیت وجود این روابط اشاره کند تا سرمایه گذاران با نظر گرفتن این عوامل تأثیرگذار تصمیمات بهتری در بازار سرمایه بگیرند.

ادامه جدول ۱. خلاصه پیشینه پژوهش

نام محققان	سال پژوهش	عنوان پژوهش	روش پژوهش	نتایج پژوهش
بنایی قدیم	۱۴۰۲	عوامل مالی و غیرمالی مؤثر بر سلامت مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران	کاربردی - پس رویدادی	متغیرهای ساختار مالکیت و تغییر در سیاست استخدام شرکت، سبب افزایش سلامت مالی شرکت‌ها شده است یعنی وجود تمرکز مالکیت از طرف سهامداران عمده و ایجاد و اعمال قدرت نظارتی آن‌ها از یک طرف و کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت در به‌کارگیری رویه‌های فزاینده منافع شخصی و کاهنده ارزش شرکت و همچنین مدیریت منابع انسانی به عنوان راهبرنده سرمایه‌های فیزیکی شرکت‌ها در قالب سرمایه فکری، عاملی تعیین‌کننده در مدیریت منابع و سلامت مالی آن‌ها است
لازایی و همکاران	۱۴۰۱	بررسی نقش خصوصی‌سازی در ابعاد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی (کارخانه سیمان خوزستان)	توصیفی - علی	در این مطالعه ابعاد شرکت‌هایی که به روش عرضه سهام خصوصی‌سازی شده‌اند با استفاده از معیارهایی چون کیفیت سود حسابداری، سودآوری، نقدینگی، کارایی عملیاتی، سرمایه‌گذاری در دارایی‌های سرمایه‌ای و اشتغال مورد بررسی قرار گرفت. شاخص کیفیت سود حسابداری به همراه یکی از شاخص‌های کارایی عملیاتی با عنوان نسبت فروش به نیروی انسانی کاهش معنی‌داری را در ابعاد مالی و عملیاتی نشان داد. البته شاخص دیگر کارایی عملیاتی یعنی سود خالص به نیروی انسانی افزایش معنی‌دار در ابعاد عملیاتی را ارائه داد. سایر شاخص‌ها تفاوت معنی‌داری را نشان ندادند. نتایج کلی این پژوهش حاکی از آن است که خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی در ایران باعث تضعیف ابعاد مالی و عملیاتی این شرکت‌ها شده است.

ادامه جدول ۱. خلاصه پیشینه پژوهش

نام محققان	سال پژوهش	عنوان پژوهش	روش پژوهش	نتایج پژوهش
موسویان و همکاران	۱۴۰۰	ارزیابی آثار خصوصی سازی بر ابعاد مالی و سودآوری شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران	توصیفی پیمایشی	نتایج پژوهش نشان داد خصوصی سازی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران موجب بهبود ابعاد مالی آن ها شده است. همچنین در مورد فرضیات فرعی پژوهش باید اذعان داشت که خصوصی سازی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران باعث بهبود شاخص سودآوری و شاخص سرمایه گذاری آن ها شده است ولی بر روی شاخص کارایی شرکت تأثیری نداشته است.
رستم خانی و همکاران	۱۳۹۹	بررسی و برآورد تأثیر خصوصی سازی بر ابعاد مالی شرکت های دولتی	توصیفی - کاربردی	از جمع بندی نتایج آماری تحلیل ها می توان گفت که اهداف خصوصی سازی در شرکت های مورد بررسی تأمین نشده است. علت این موضوع را می توان در این نکته جستجو کرد که تغییر مالکیت شرط لازم در خصوصی سازی است. خصوصی سازی واقعی با اقداماتی تکمیل می شود که منتج به بازارگرا شدن و حاکمیت متغیر قیمت در تصمیمات عوامل اقتصادی می شود. آزادسازی، مقررات زدایی، بهبود فضای کسب کار و محور قرار گرفتن بخش خصوصی در فعالیتهای اقتصادی از الزامات تکامل فرایند خصوصی سازی در ایران است که بخشی از آن ها نظیر بهبود فضای کسب و کار همچنان مغفول است.
جامی و همکاران	(۱۳۹۸)	بررسی تأثیر خصوصی سازی بر سود تقسیمی و ابعاد مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار	روش آمیخته کیفی و کمی	در جمع بندی و نتیجه گیری کلی آزمون فرضیه های پژوهش می توان عنوان کرد، این است که میانگین ابعاد مالی و سود تقسیمی شرکت ها قبل از خصوصی سازی با میانگین ابعاد مالی و سود تقسیمی شرکت ها بعد از خصوصی سازی تفاوت معنی داری وجود دارد.

ادامه جدول ۱. خلاصه پیشینه پژوهش

نام محققان	سال پژوهش	عنوان پژوهش	روش پژوهش	نتایج پژوهش
بیک زاده و همکاران	۱۳۹۴	بررسی مقایسه‌ای ابعاد مالی قبل و پس از واگذاری شرکت‌های دولتی غیربورسی خصوصی‌سازی شده	رگرسیون و مدل‌سازی معادلات ساختاری	برای این منظور، نسبت‌های مالی ابعاد سال قبل و سه سال بعد از واگذاری ۲۷ شرکت واگذار شده از صنایع متفاوت طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹، بر اساس صورت‌های مالی حسابرسی شده آن‌ها، با اجرای آزمون‌های کلموگروف-اسمیرنوف و تی زوجی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان می‌دهد که فرآیند خصوصی‌سازی تأثیری بر ابعاد مالی شرکت‌ها نداشته است.
چیتنی و همکاران	۲۰۲۴	خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی در بازارهای نوظهور: مشکلات و چشم‌اندازها	کاربردی – علی	نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که بسیاری از شرکت‌های دولتی در آفریقای جنوبی به دلیل فساد و مدیریت ضعیف مالی متحمل زیان‌های غیرقابل جبران شده‌اند بنابراین خصوصی‌سازی چنین نهادهایی ممکن است راه نجات باشد.
کاسیر و همکاران	۲۰۲۳	تأثیر فرآیند خصوصی‌سازی بر شاخص‌های بهره‌وری و ابعاد مالی شرکت‌ها	توصیفی – علی	برای اندازه‌گیری شاخص‌های بهره‌وری از روابط مبتنی بر ارزش افزوده استفاده شده است. متغیر مستقل پژوهش درصد سهام واگذار شده شرکت‌های عضو نمونه است. نتایج پژوهش نشان داد که فرآیند خصوصی‌سازی در شرکت‌های مورد بررسی بر بهره‌وری سرمایه و بازده دارایی‌ها تأثیر معناداری نداشته و منجر به افزایش این شاخص‌ها شده است.

ادامه جدول ۱. خلاصه پیشینه پژوهش

نام محققان	سال پژوهش	عنوان پژوهش	روش پژوهش	نتایج پژوهش
نوتی	۲۰۲۳	بررسی تأثیر خصوصی سازی بر ابعاد مالی و رشد و یادگیری کارکنان	کاربردی - علی	برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. به منظور آزمون فرضیات و مقایسه می‌آنگین دو جامعه (جامعه قبل و جامعه بعد از خصوصی سازی) از تست نشاندار ویلکاکسون با کمک نرم افزار SPSS استفاده گردیده است. در نهایت فرضیه‌های اصلی پژوهش تأیید شد که نشان می‌دهد، خصوصی سازی باعث بهبود ابعاد مالی و رشد و یادگیری کارکنان شده است.
رادیک و همکاران	۲۰۲۱	ارزیابی تأثیر ابعاد مالی و خصوصی سازی بر کارایی فنی شرکت‌ها	توصیفی - علی	نتایج پژوهش، کاهش کارایی فنی ۲۸ شرکت را بعد از ورود به بورس نشان می‌دهد و نیز تأثیر منفی و معنادار نسبت‌های نقدینگی و بازده حقوق صاحبان سهام را بر جزء ناکارایی فنی شرکت‌ها تبیین می‌کند.
لیاحمد و همکاران	۲۰۲۱	تأثیر عوامل مالی و غیرمالی بر سود سرمایه	کاربردی - توصیفی	در انتخاب سهامی که بازده بالایی در یک ریسک قابل قبول فراهم می‌کنند، سرمایه‌گذاران به عوامل اصلی توجه دارند که می‌تواند ابعاد سهام را تحت تأثیر قرار دهد. نتایج پژوهش شامل یک مدل ANCOVA است که تأثیر قابل توجهی از بازگشت حقوق صاحبان سهام و زمینه فعالیت بر ابعاد سود سرمایه را ارائه می‌دهد.

همان‌طور که در جدول شماره یک اشاره شده است در برخی از پژوهش‌های پیشین، مانند پژوهش موسویان و همکاران (۱۴۰۰)، با عنوان «ارزیابی آثار خصوصی سازی بر ابعاد مالی و سودآوری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، نتایج پژوهش نشان داد که خصوصی سازی بنگاه‌های دولتی موجب بهبود ابعاد مالی آن‌ها شده است این در حالی است که در پژوهش رستم خانی و همکاران (۱۳۹۹)، نتایج نشان داد که اهداف خصوصی سازی در شرکت‌های مورد بررسی تأمین نشده است. از طرفی یافته‌های جامی و همکاران (۱۳۹۸) نشان داد که ابعاد مالی و سود تقسیمی شرکت‌ها قبل و بعد از خصوصی تفاوت معناداری دارند که این

پژوهش حاکی از تأثیرگذار بودن خصوصی سازی بنگاه‌های دولتی است. و همچنین در پژوهش‌های خارجی، نتایج پژوهش چیتی و همکاران (۲۰۲۴) با عنوان «خصوصی سازی شرکت‌های دولتی در بازارهای نوظهور: مشکلات و چشم‌اندازها» (مطالعه موردی آفریقای جنوبی)، نشان داد که بسیاری از شرکت‌های دولتی در آفریقای جنوبی به دلیل فساد و مدیریت ضعیف مالی متحمل زیان‌های غیرقابل جبران شده‌اند بنابراین خصوصی سازی چنین نهادهایی ممکن است راه نجات باشد. سؤالی که به ذهن می‌رسد چه معیارها و عواملی وجود دارند که می‌توانند زمینه موفقیت و یا شکست خصوصی سازی بنگاه‌های دولتی را رقم بزنند و ما در این پژوهش تلاش نمودیم تا معیارها و عوامل مالی و غیرمالی تأثیرگذار بر موفقیت یا شکست خصوصی سازی بنگاه‌های دولتی را مورد بررسی قرار دهیم تا بتوانیم به ارائه یک الگوی مناسب برای خصوصی سازی بپردازیم.

۴. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش بر اساس هدف، تبیینی و اکتشافی است و سعی دارد الگوی خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی را با استفاده از روش دلفی و مدل سازی ساختاری - تفسیری مشخص سازد بر حسب نتیجه این پژوهش از نوع توسعه‌ای بوده و همچنین از نظر گردآوری اطلاعات این پژوهش آمیخته است. در این پژوهش از یک نوع روش شناسی چندگانه با توجه به هدف پژوهش و نیز مزیت‌های روش شناسی‌های چندگانه استفاده می‌شود.

جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش را کارشناسان سازمان خصوصی سازی تشکیل می‌دادند که دارای شرایط زیر بودند: داشتن حداقل ۳ سال سابقه مدیریتی، تسلط بر موضوع، در دسترس بودن، تمایل به شرکت در پژوهش. بنابراین روش نمونه‌گیری در این بخش روش نمونه‌گیری هدفمند است. توجیه منطقی این روش نمونه‌گیری این است که: از نمونه‌گیری احتمالی زمانی استفاده می‌شود که محقق بخواهد نتایج را از نمونه آماری به جامعه آماری تعمیم دهد، در صورتی که محقق قصد

تعمیم نداشته باشد، می‌تواند از نمونه‌گیری هدفمند استفاده کند، از طرفی دیگر در پژوهش‌های کیفی معمولاً از نمونه‌گیری احتمالی پرهیز می‌کنند، افرادی که برای این پژوهش دعوت به همکاری می‌شوند کارشناسان سازمان خصوصی سازی هستند که تعداد آن‌ها ۱۵ نفر است.

مسیر پژوهش

با توجه به بررسی‌های انجام شده در این پژوهش به منظور شناسایی مؤلفه‌های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی، طی مصاحبه با ۱۵ نفر از کارشناسان و کارشناسان سازمان خصوصی سازی، این عوامل به شرح زیر به دست آمد:

الف- عوامل مالی عبارتند از: عوامل اقتصادی، معیارهای مالی و حسابداری

ب- عوامل غیرمالی شامل: عوامل سیاسی، ارتقای بخش خصوصی، عملکرد دولت و ابعاد فرهنگی و عمومی است.

شناسایی معیارهای مؤثر و ساخت سلسله‌مراتبی

در گام نخست با درک کامل مفاهیم و شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مسئله پژوهش، هدف کلی مسئله، با نظر خبرگان و صاحب‌نظران سازمان خصوصی سازی است. با توجه به ادبیات موضوع و بررسی وضعیت جامعه پژوهش، عوامل مرتبط و درگیر به مسئله مشخص شده‌اند. برای شناسایی مؤلفه‌های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی اقدام به ایجاد پانل دلفی در میان خبرگان و صاحب‌نظران سازمان خصوصی سازی گردیده و پس از مصاحبه و استفاده از فرم‌های باز اظهارنظر در خصوص مؤلفه‌های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی و پس از بررسی‌های دقیق نتایج این نظرسنجی‌ها تعداد ۷۸ زیر معیار به عنوان مؤلفه‌های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی مشخص شد که در جدول ذیل قابل مشاهده است.

در فرایند شناسایی این زیر معیارها از رویکرد تحلیل محتوا استفاده و تعداد ۷۸ زیر معیار در قالب عوامل رویکرد بهینه‌سازی چارچوب‌های اقتصادی در کشور، توسعه محیط فعالیت اقتصادی کشور، ابعاد مالی و حسابداری، چارچوب سیاست داخلی، دیدگاه سیاسی و چارچوب

سیاست‌های جاری، سیاست بین‌المللی و فرا سرزمینی، چالش‌های سیاسی، ارتقا توانمندی‌های بخش خصوصی، تمرکز بر ارزیابی عملکرد دولت در حمایت از بخش خصوصی، استانداردهای مدیریتی، استانداردهای کارآفرینی و حمایتی، قوانین و مقررات و توسعه فرهنگ خصوصی سازی و اقدامات این حوزه شناسایی شدند، برای تأمین اعتبار یافته‌های پژوهش از شاخص روایی محتوایی^۱ CVI استفاده می‌شود شاخص روایی محتوای نیز برای سنجش روایی پرسشنامه استفاده می‌شود. این شاخص CVI توسط والتز و باسل^۲ ارائه شده است. برای محاسبه CVI از خبرگان خواسته می‌شود میزان مرتبط بودن هر گویه را با طیف چهار قسمتی زیر مشخص کنند:

۱. غیر مرتبط

۲. نیاز به بازبینی اساسی

۳. مرتبط اما نیاز به بازبینی

۴. کاملاً مرتبط

تعداد خبرگانی که گزینه ۳ و ۴ را انتخاب کرده‌اند را بر تعداد کل خبرگان تقسیم می‌کنیم اگر مقدار حاصل از ۰.۷ کوچک‌تر بود گویه رد می‌شود اگر بین ۰.۷ تا ۰.۷۹ بود باید بازبینی انجام شود و اگر از ۰.۷۹ بزرگ‌تر بود قابل قبول است.

جدول ۲. اشارات خبرگان به مؤلفه‌های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیر مالی

کد	شاخص	معیار	زیر معیار	اشاره خبرگان	CVI	وضعیت
C1	عوامل اقتصادی	رویکرد بهینه سازی چارچوب های اقتصادی در کشور	برنامه ریزی برای آزادسازی فضای اقتصاد کشور	۱۳	۰.۸۶	✓
C2			تمرکز بر توسعه و ارتقا بازار سرمایه و بورس	۱۱	۰.۹۵۶	✓
C3			برنامه ریزی برای استفاده کامل از ظرفیت های بانک ها و نهادهای مالی	۱۰	۰.۹۶۸	✓
C4			برنامه ریزی برای به روز رسانی چرخه های اداری مرتبط و حذف موانع موجود در مسیر خصوصی سازی	۸	۰.۹۰۸	✓
C5			فراهم سازی فضا و بستر مناسب برای تسریع و تسهیل خصوصی سازی	۱۲	۰.۸۱۲	✓
C6			برنامه ریزی برای توسعه و نظام قیمت گذاری یکپارچه	۹	۰.۹۷۱	✓
C7			ایجاد رویکرد همسو و یکدست در بین سازمان های برنامه ریز و خط مشی گذار با مجریان	۹	۰.۹۱۷	✓
C8		توسعه محیط فعالیت اقتصادی کشور	برنامه ریزی برای ایجاد و ارتقا ثبات در ارکان اقتصاد	۱۰	۰.۹۳۶	✓
C9			تمرکز بر ایجاد اشتغال و توسعه کارآفرینی	۹	۰.۸۷۷	✓
C10			برنامه ریزی برای کاهش وابستگی اقتصاد به نفت	۸	۰.۹۸۳	✓
C11			برنامه ریزی برای مرتبط سازی شرکت ها با بازار بین المللی	۹	۰.۹۶۸	✓
C12			تأکید بر تأمین امنیت سرمایه گذاری و ورود بخش خصوصی به بازار	۹	۰.۸۴۳	✓
C13			مولد سازی و بازدهی بالای سرمایه گذاری بخش خصوصی	۷	۰.۸۲۹	✓
C14			حمایت مستمر از بخش خصوصی با رویکرد توانمند سازی بخش خصوصی برای رقابت	۹	۰.۹۰۷	✓

کد	شاخص	معیار	زیر معیار	اشاره خبرگان	CVI	وضعیت
C15	معیارهای مالی و حسابداری	ابعاد مالی و حسابداری	تعریف ساختار مالی و حسابداری استاندارد و جامع برای شرکت‌ها قبل از واگذاری	۷	۰.۸۸۱	✓
C16			تأکید بر اطلاعات کامل و شفاف مالی فعالیت شرکت‌های مشمول طرح خصوصی‌سازی	۸	۰.۹۸۳	✓
C17			دسترسی کامل و شفاف نهادهای نظارتی تعریف شده به اطلاعات مالی و مراودات مالی شرکت‌ها و سازمان‌های مشمول طرح خصوصی‌سازی	۱۱	۰.۸۹۲	✓
C18			تأکید بر بهای تمام‌شده رقابتی در حسابرسی شرکت‌ها و سازمان‌های مشمول طرح خصوصی‌سازی	۱۰	۰.۹۳۸	✓
C19			تأکید بر مطالعه دقیق و تخصصی قیمت‌گذاری دارایی‌های قبل از واگذاری	۱۲	۰.۹۲۶	✓
C20			استفاده از استاندارد هزینه منفعت مبتنی بر جدیدترین دستورالعمل‌های تخصصی حسابداری	۸	۰.۷۸۴	✓
C21			حسابرسی مستمر و دقیق و غربالگری مغایرت‌های موجود و اقدامات صریح و روشن برای جلوگیری از تکرار	۱۱	۰.۷۶۴	✓
C22	عوامل سیاسی	چارچوب سیاست داخلی	وحدت رویه پیاده‌سازی اصل ۴۴ قانون اساسی حتی با وجود جابجایی قدرت جناح‌های سیاسی	۹	۰.۹۶۸	✓
C23			همسوسازی مراجع تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری حوزه خصوصی‌سازی با ابعاد سیاسی کشور	۱۰	۰.۹۱	✓
C24			تأکید بر تعامل ویژه بین دستگاه‌های مرتبط و تصمیم‌گیرنده در حوزه خصوصی‌سازی	۷	۰.۸۸۵	✓
C25			وجود اهداف مشترک میان مسئولین و مجریان و برنامه ریزان حوزه خصوصی‌سازی	۸	۰.۸۶	✓

کد	شاخص	معیار	زیر معیار	اشاره خبرگان	CVI	وضعیت
C26		دیدگاه سیاسی و چارچوب سیاست های جاری	تأکید بر ثبات سیاسی	۱۰	۰.۹۴۶	✓
C27			تبیین دقیق اهداف و رویکردهای سیاسی حاکم	۱۱	۰.۹۸۷	✓
C28			انعطاف سیاسی جاری در سطح کشور و میزان همراهی و همسویی جامعه با تفکر حاکم بر طیف های سیاست داخلی	۶	۰.۸۸۵	✓
C29			تأکید بر حمایت سیاسی از خصوصی سازی	۸	۰.۸۹۲	✓
C30		سیاست بین المللی و فراسرزمینی	تأکید بر ارکان سیاست خارجی کشور و پابندی به آرمان های سیاسی	۶	۰.۸۹۱	✓
C31			تأکید بر تحلیل دقیق سیاست های کشورهای منطقه و سایر کشورهای مرتبط	۹	۰.۹۶۸	✓
C32			برنامه ریزی برای استفاده از ظرفیت های داخلی و خصوصی سازی برای غلبه بر تحریم های بین المللی	۸	۰.۸۸	✓
C33			اجتناب از هرگونه نفوذ اشخاص و جناح ها در برنامه ریزی خصوصی سازی	۱۲	۰.۸۶۲	✓
C34		چالش های سیاسی	دوری از هرگونه تحکیم و برنامه ریزی های دستوری در حوزه خصوصی سازی	۹	۰.۸۷۸	✓
C35			تمرکز بر همسویی حمایتی برنامه ریزی های خصوصی سازی و تأمین نیازهای عمومی مردم	۸	۰.۸۶	✓
C36			جلوگیری از ورود رویکردها و تصمیم های سیاسی و تغییر رویکردهای موجود	۹	۰.۸۳۳	✓
C37			تمرکز بر حمایت مستمر از بخش خصوصی در چارچوب های خصوصی سازی	۹	۰.۸۶	✓
C38	ترفع بخش خصوصی	ارتقا توانمندی های بخش خصوصی	برنامه ریزی برای حذف رانت های احتمالی در مسیر خصوصی سازی	۷	۰.۹۵۶	✓
C39			تعریف چارچوب های تخصصی برای تقویت و توسعه زیرساخت های خصوصی سازی	۶	۰.۹۷۹	✓
C40			تمرکز بر تقویت بخش غیردولتی و مقابله با اقتصاد زیرزمینی	۱۱	۰.۹۹	✓
C41			برنامه ریزی برای توسعه ساختار سازمانی در شرکت های خصوصی	۱۳	۰.۹۳۵	✓

کد	شاخص	معیار	زیر معیار	اشاره خبرگان	CVI	وضعیت
C42	عملکرد دولت	تمرکز بر ارزیابی عملکرد دولت در حمایت از بخش خصوصی	برنامه‌ریزی برای تعریف استانداردهای تخصصی در شرکت‌های خصوصی‌سازی شده	۸	۰.۸۶۶	✓
C43			برنامه‌ریزی برای ورود شرکت‌های خصوصی به بازار سرمایه	۹	۰.۸۲۵	✓
C44			وجود مشوق‌های قانونی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی	۹	۰.۸۹۳	✓
C45			برنامه‌ریزی برای ایجاد و ارتقا زیرساخت‌های لازم برای توسعه خصوصی‌سازی	۶	۰.۷۹۹	✓
C46			کارآمدسازی بخش خصوصی با برنامه‌ریزی علمی و استفاده از ظرفیت‌های عمومی	۸	۰.۸۱۶	✓
C47			انسجام بخش دولتی برای همکاری با بخش خصوصی و استفاده از ظرفیت‌های موجود	۹	۰.۸۸۶	✓
C48			تمرکز بر بهبود و ارتقا استانداردهای لازم برای واگذاری سهام عدالت	۱۱	۰.۸۶	✓
C49			تفکیک وظایف بخش خصوصی و دولتی و تجهیز متناسب بخش خصوصی برای نقش‌آفرینی مؤثر در توسعه اقتصادی	۱۱	۰.۹۴۶	✓
C50			برنامه‌ریزی برای تعریف چهارچوب‌های تخصصی ورود سرمایه‌گذاری‌های خارجی	۸	۰.۸۶	✓
C51			تعریف قوانین و مقررات لازم برای پاسخگوسازی شرکت‌های مشمول طرح خصوصی‌سازی	۱۲	۰.۸۶	✓
C52			استفاده از اراده دولت برای شفاف‌سازی فعالیت‌های شرکت‌ها و سازمان‌های مشمول طرح خصوصی‌سازی	۱۲	۰.۸۴۳	✓
C53			توجه ویژه به بخش تعاون و تدوین مقررات و قوانین تخصصی فعالیت‌های بخش تعاون	۱۳	۰.۸۳۱	✓
C54		استانداردهای مدیریتی	برنامه‌ریزی برای استفاده از دانش و تخصص منطبق با نیازهای توسعه‌ای در شرکت‌های مشمول طرح خصوصی‌سازی	۸	۰.۹۰۲	✓

کد	شاخص	معیار	زیر معیار	اشاره خبرگان	CVI	وضعیت
C55			برنامه ریزی برای مقابله صحیح با مقاومت های مدیران بخش های دولتی کم کار در حوزه خصوصی سازی	۱۵	۰.۸۲۷	✓
C56			استفاده از کارگروه های تخصصی و تصمیمات مبتنی بر داده های واقعی برای کارآمدسازی خصوصی سازی	۱۲	۰.۸۸۸	✓
C57			بهره گیری از ظرفیت های پژوهشی و علمی در حوزه مدیریت شرکت ها و سازمان های مشمول طرح خصوصی سازی	۱۳	۰.۷۹۳	✓
C58			تمرکز بر پایش مستمر فعالیت های شرکت های مشمول و وجود راهکارهای قانونی برای نظارت و برخورد قانونی با کم کاری ها و یا تخلفات این حوزه	۹	۰.۷۹۷	✓
C59			گزارشگری دقیق از عملکرد شرکت ها و سازمان های مشمول طرح خصوصی سازی	۱۲	۰.۸۳۲	✓
C60			توسعه سیستم جامع مالیاتی و دارایی برای کنترل دقیق فعالیت های مالی شرکت ها و سازمان های مشمول طرح خصوصی سازی در چارچوب های قانونی	۱۴	۰.۸۹۱	✓
C61	استانداردهای کارآفرینی و حمایتی		برنامه ریزی برای ارتقا حمایت ها و مشوق های مالی برای ایجاد انگیزه ورود بخش خصوصی به فرایندهای دولتی	۱۰	۰.۹۵۶	✓
C62			توجه ویژه به کارآفرینان بخش خصوصی و تعریف چارچوب های حمایتی تخصصی	۹	۰.۷۹۸	✓
C63			استفاده از مشوق های مالیاتی و سرمایه ای برای انگیزش بخش خصوصی	۱۴	۰.۸۲۴	✓
C64			کاهش سود تسهیلات اعطایی به بخش های خدماتی مشمول طرح خصوصی سازی	۱۲	۰.۸۳۷	✓
C65			حمایت های قانونی از شرکت ها و سازمان های مشمول پس از واگذاری	۱۰	۰.۸۶	✓
C66	قوانین و مقررات		شفافیت و جامعیت قوانین و مقررات حوزه خصوصی سازی	۱۳	۰.۸۵۴	✓
C67			حمایت های قوانین کار و تأمین اجتماعی	۱۱	۰.۸۶۹	✓

کد	شاخص	معیار	زیر معیار	اشاره خبرگان	CVI	وضعیت
C68	ابعاد فرهنگی و عمومی	توسعه فرهنگ خصوصی‌سازی و اقدامات این حوزه	کاهش و حذف موانع گمرکی، بازرگانی و مراودات مالی شرکت‌های مشمول طرح در چارچوب قوانین حاکمیتی	۱۰	۰.۹۰۶	✓
C69			کنترل‌های مستمر و سازمان‌یافته نهادهای نظارتی بر عملکرد شرکت‌ها و سازمان‌های مشمول طرح خصوصی‌سازی	۸	۰.۹۱۲	✓
C70			تمرکز بر مطالعه علمی و عملی مبتنی بر داده‌های به‌روز و مستند قبل از واگذاری	۱۲	۰.۸۱۶	✓
C71			استناد به ابعاد دینی و اعتقادی و تبعیت از شرع و عرف در برنامه‌های خصوصی‌سازی	۹	۰.۹۶۸	✓
C72			برنامه‌ریزی برای ممانعت از ورود دیدگاه‌های قومیتی و فرهنگی در فرایند خصوصی‌سازی	۹	۰.۸۸۲	✓
C73			تأکید بر ارتقا اعتماد عمومی به بخش خصوصی	۱۰	۰.۹۵۶	✓
C74			زمینه‌سازی برای ورود سرمایه‌های خرد به فرایند خصوصی‌سازی	۹	۰.۹۶۸	✓
C75			تأکید بر روشن و شفاف نمودن اهداف خصوصی‌سازی و ارتقا دانش عمومی در این زمینه	۸	۰.۹۶۱	✓
C76			حذف تعارضات ارزشی میان دولت و بخش خصوصی	۹	۰.۸۲۷	✓
C77			برنامه‌ریزی برای جلوگیری از تجربیات ناموفق گذشته در امر خصوصی‌سازی	۹	۰.۹۶۸	✓
C78			برنامه‌ریزی برای جلوگیری از هرگونه هرج‌ومرج و یا مقاومت در مقابل تغییر	۷	۰.۹۰۳	✓

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به اشاراتی که خبرگان در فرم‌های باز اظهارنظر و در قالب کدگذاری باز محوری و انتخابی انجام شد نهایتاً مؤلفه‌های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی با تعداد ۷۸ زیر معیار اصلی به شرح جدول فوق شناسایی قرار گرفتند، برای قطعیت این موارد مراحل بعدی به صورت راند به راند انجام شده است. معیارها و تعداد مربوط به هر کدام از این معیارها در جدول زیر آمده است:

جدول ۳. پراکندگی سؤالات مربوط به متغیرهای پژوهش

مؤلفه	چینش	تعداد گویه	منبع
عوامل اقتصادی	C1-C14	۱۴	نتایج نظرسنجی اولیه از خبرگان و مبانی نظری پژوهش
معیارهای مالی و حسابداری	C15-C21	۷	
عوامل سیاسی	C22-C36	۱۵	
ترفیع بخش خصوصی	C37-C44	۸	
عملکرد دولت	C45-C69	۲۵	
ابعاد فرهنگی و عمومی	C70-C78	۹	
جمع	C1-C78	۷۸	

منبع: یافته‌های پژوهش

مؤلفه‌های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی از طریق پرسشنامه پنل دلفی و با استفاده از میانگین حسابی معیارهای مهم برای مقایسه ابعاد به دست آمد، سپس کارشناسان از متغیرهای کلامی بسیار زیاد، بی‌اهمیت، کم، بسیار کم استفاده کردند. آن‌ها سطح اهمیت زیر معیارهای مطرح شده را از دیدگاه خود بیان کردند. با توجه به گزینه پیشنهادی و متغیرهای کلامی تعریف شده، نتایج به دست آمده از بررسی پاسخ‌های داده شده در پرسشنامه برای به دست آوردن میانگین مؤلفه‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. با توجه به دیدگاه‌های ارائه شده در راند اول و مقایسه آن با نتایج راند دوم، در صورتی که اختلاف بین میانگین در دو راند کمتر از حد آستانه (۱/۰) باشد در این صورت فرآیند نظرسنجی متوقف می‌شود. در جدول شماره ۴، اختلاف بین نتایج راند اول و دوم ارائه شده است.

جدول ۴. اختلاف بین میانگین‌های هندسی راند دوم و سوم

AVE۲	AVE۱	DIFF	کد معیار	AVE۲	AVE۱	DIFF	کد معیار	AVE۲	AVE۱	DIFF	کد معیار
۴.۲۳۳۳	۴.۴	-۰.۰۶۶۷	C۵۳	۴	۳.۹۳۳۳	-۰.۰۶۶۷	C۲۷	۳.۸	۳.۸۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۱
۴.۲	۴.۲۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۵۴	۴	۴	۰	C۲۸	۴.۰۶۶۷	۴.۰۶۶۷	۰	C۲
۳.۸	۳.۸	۰	C۵۵	۴.۰۶۶۷	۴	-۰.۰۶۶۷	C۲۹	۴.۴	۴.۴۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۳
۴.۲۶۶۷	۴.۲۶۶۷	۰	C۵۶	۴.۱۳۳۳	۴.۱۳۳۳	۰	C۳۰	۴.۲	۴.۲	۰	C۴
۴.۰۶۶۷	۴	-۰.۰۶۶۷	C۵۷	۳.۴۶۶۷	۳.۵۳۳۳	-۰.۰۶۶۷	C۳۱	۳.۸۶۶۷	۳.۸۶۶۷	۰	C۵
۳.۵۳۳۳	۳.۴۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۵۸	۴.۲	۴.۲۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۳۲	۴.۲۳۳۳	۴.۴	-۰.۰۶۶۷	C۶
۳.۵۳۳۳	۳.۴۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۵۹	۳.۷۳۳۳	۳.۸	-۰.۰۶۶۷	C۳۳	۳.۸	۳.۸۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۷
۴	۳.۹۳۳۳	-۰.۰۶۶۷	C۶۰	۳.۶۶۶۷	۳.۶	-۰.۰۶۶۷	C۳۴	۴.۴	۴.۴	۰	C۸
۴.۱۳۳۳	۴.۱۳۳۳	۰	C۶۱	۳.۴	۳.۴	۰	C۳۵	۴.۲	۴.۲۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۹
۳.۷۳۳۳	۳.۸	-۰.۰۶۶۷	C۶۲	۳.۷۳۳۳	۳.۶۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۳۶	۴	۴	۰	C۱۰
۳.۷۳۳۳	۳.۶۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۶۳	۴.۴۶۶۷	۴.۴	-۰.۰۶۶۷	C۳۷	۳.۸	۳.۸۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۱۱
۴.۴	۴.۴	۰	C۶۴	۳.۸	۳.۸۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۳۸	۳.۸	۳.۸	۰	C۱۲
۳.۸	۳.۸۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۶۵	۴.۴	۴.۴	۰	C۳۹	۴.۲۳۳۳	۴.۴	-۰.۰۶۶۷	C۱۳
۴.۱۳۳۳	۴.۰۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۶۶	۴.۲	۴.۲۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۴۰	۴.۱۳۳۳	۴.۱۳۳۳	۰	C۱۴
۴	۴	۰	C۶۷	۴	۴	۰	C۴۱	۴.۲۶۶۷	۴.۲۶۶۷	۰	C۱۵
۳.۵۳۳۳	۳.۴۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۶۸	۳.۸	۳.۸۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۴۲	۳.۸۶۶۷	۳.۸	-۰.۰۶۶۷	C۱۶
۴.۵۳۳۳	۴.۶	-۰.۰۶۶۷	C۶۹	۳.۸	۳.۸	۰	C۴۳	۳.۹۳۳۳	۳.۸۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۱۷
۴	۴	۰	C۷۰	۴.۲۳۳۳	۴.۴	-۰.۰۶۶۷	C۴۴	۴.۰۶۶۷	۴	-۰.۰۶۶۷	C۱۸
۴	۳.۹۳۳۳	-۰.۰۶۶۷	C۷۱	۴.۱۳۳۳	۴.۱۳۳۳	۰	C۴۵	۳.۹۳۳۳	۳.۹۳۳۳	۰	C۱۹
۴	۴	۰	C۷۲	۴.۲۶۶۷	۴.۲۶۶۷	۰	C۴۶	۴.۲۶۶۷	۴.۲	-۰.۰۶۶۷	C۲۰
۴.۰۶۶۷	۴	-۰.۰۶۶۷	C۷۳	۳.۸۶۶۷	۳.۸	-۰.۰۶۶۷	C۴۷	۳.۵۳۳۳	۳.۴۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۲۱
۴.۱۳۳۳	۴.۱۳۳۳	۰	C۷۴	۳.۹۳۳۳	۳.۸۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۴۸	۴.۱۳۳۳	۴.۰۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۲۲
۳.۴۶۶۷	۳.۵۳۳۳	-۰.۰۶۶۷	C۷۵	۴.۰۶۶۷	۴	-۰.۰۶۶۷	C۴۹	۴	۴	۰	C۲۳
۴.۲	۴.۲۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۷۶	۳.۹۳۳۳	۳.۹۳۳۳	۰	C۵۰	۳.۵۳۳۳	۳.۴۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۲۴
۳.۷۳۳۳	۳.۸	-۰.۰۶۶۷	C۷۷	۴.۲۶۶۷	۴.۲	-۰.۰۶۶۷	C۵۱	۴.۵۳۳۳	۴.۶	-۰.۰۶۶۷	C۲۵
۳.۶۶۶۷	۳.۶	-۰.۰۶۶۷	C۷۸	۴.۴	۴.۴۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۵۲	۴	۴	۰	C۲۶

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به جدول شماره پنج و اینکه اختلاف میانگین نظر خبرگان در دو راند (اخیر) مساوی و یا کمتر از ۰/۱ است، می‌توان گفت که خبرگان در مورد مؤلفه‌های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی به اجماع رسیده‌اند و نظرسنجی در این راند متوقف می‌شود. این بدان معنی است که خبرگان به این ابعاد در پژوهش نگاه تقریباً یکسانی داشته‌اند.

برای اطمینان از سنجش مناسب بودن داده‌ها از آزمون کیزر میر اولکین استفاده شد که جدول زیر نتایج حاصل از آن را نشان می‌دهد:

جدول ۵. مقدار کیزر میر اولکین (KMO)

پیش فرض مقدار
مقدار کیزر میر اولکین (کفایت حجم نمونه) ۰/۷۲
آزمون کرویت بارتلست مقدار مجذور کای ۳۵۰۰/۲۵
۳۰۰۳ df
۰/۰۰۰ P
منبع: یافته‌های پژوهش

مقدار کیزر میر اولکین در سطح معناداری نشان می‌دهد که داده‌ها برای تحلیل عاملی در وضعیت خوبی قرار دارند در این شرایط، می‌توان انتظار داشت که تحلیل عاملی نتایج مفید و معنی‌داری ارائه می‌دهد.

ضریب هماهنگی کندال

در این پژوهش برای تعیین میزان اتفاق نظر میان اعضای پانل، از ضریب هماهنگی کندال^۱ استفاده شد. ضریب هماهنگی کندال مقیاسی است برای تعیین درجه هماهنگی و موافقت میان چندین دسته رتبه مربوط به N شیء یا فرد. در حقیقت با کاربرد این مقیاس می‌توان همبستگی رتبه‌ای میان K مجموعه رتبه را یافت. چنین مقیاسی به‌ویژه در مطالعات مربوط به «روایی درونی»^۲ مفید است. ضریب هماهنگی کندال نشان می‌دهد که افرادی که چند مقوله را بر اساس اهمیت آن‌ها مرتب کرده‌اند، اساساً معیارهای مشابه را برای قضاوت درباره اهمیت هر یک از مقوله‌ها به کار برده‌اند و از این لحاظ با یکدیگر اتفاق نظر دارند.

1. Kendall's Coefficient of Concordance (W)
2. Interjudge reliability

جدول ۶. آزمون آماری ضریب هماهنگی کندال

میزان	ابعاد	چینش	درجه آزادی	راند ۱		راند ۲		راند ۳	
				ضریب توافقی کندال	عدد جامعه	ضریب توافقی کندال	عدد جامعه	ضریب توافقی کندال	عدد جامعه
عوامل اقتصادی	۱۴	C1-C14	۱۳	۰.۴۰	۲	۰.۰۵	۱	۰.۴۳	۲
معیارهای مالی و حسابداری	۷	C15-C21	۶	۰.۳۲	۸	۰.۰۴	۶	۰.۳۵	۲
عوامل سیاسی	۱۵	C22-C36	۱۴	۰.۳۳	۶	۰.۰۶	۱	۰.۳۷	۴
ترفیع بخش خصوصی	۸	C37-C44	۷	۰.۳۹	۱	۰.۰۳	۱	۰.۳۹	۷
عملکرد دولت	۲۵	C45-C69	۲۴	۰.۳۵	۵	۰.۰۷	۱	۰.۳۶	۴
ابعاد فرهنگی و عمومی	۹	C70-C78	۸	۰.۴۴	۷	۰.۰۳	۴	۰.۴۵	۹

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به کسب ضریب کندال در بازه بیش از ۵۰٪ و همچنین نتایج عدد معنی‌داری و واقع شدن عدد معنی‌داری همه ابعاد مورد بررسی در بازه مقبول کمتر از ۰.۰۵ در راند سوم نشان از آن دارد که در این راند خبرگان به توافق رسیده و نیازی به ادامه فرایند دلفی نیست.

درخت سلسله‌مراتبی شاخص‌ها و گزینه‌های تصمیم‌گیری را نشان می‌دهند سپس یکسری مقایسات زوجی انجام می‌گیرد. این مقایسات وزن هریک از فاکتورها را در راستای گزینه‌ای رقیب مشخص می‌سازد. در نهایت منطق AHP به گونه‌ای ماتریس‌های حاصل از مقایسات زوجی را با یکدیگر تلفیق می‌سازد که تصمیم بهینه حاصل آید.

جدول ۷. درخت سلسله‌مراتب مؤلفه‌های خصوصی‌سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی



منبع: یافته‌های پژوهش

در روش AHP وزن هر یک از معیارها یکسان فرض نمی‌شود. به همین جهت پروفیسور ساعتی روشی ابداع کرده که قادر است تأثیر معیارها را بر یکدیگر و بر کل عملیات پژوهش محاسبه و اندازه‌گیری نمایند. تعیین وزن هر یک از معیارها نسبت به یکدیگر توسط گروه قضاوت کارشناسی صورت گرفته است. نحوه کار همانند راند قبل است که ابتدا معیارهای سطح اول در یک جدول که دارای دو ستون عمودی و افقی است بر اساس جدول ارجحیت ثبت خواهند شد. در این راند عملیات گردآوری داده‌ها به پایان می‌رسد و جهت محاسبه، داده‌ها به نرم‌افزار معرفی می‌گردند. بر اساس خروجی نرم‌افزار Expert Choice و تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌های پژوهش، ماتریس ارزش بر اساس جدول زیر تعیین شده است:

جدول ۸. مقایسه گزینه‌ها به صورت زوجی

رتبه			A1	A2	A3	A4	A5	A6
دوم	۰.۲۰۲	A1 عوامل اقتصادی						
چهارم	۰.۱۷۱	A2 معیارهای مالی و حسابداری	۳.۰۰					
اول	۰.۲۲۶	A3 عوامل سیاسی	۴.۰۰	۵.۰۰				
پنجم	۰.۱۱۹	A4 ترفیع بخش خصوصی	۳.۰۰	۳.۰۰	۳.۰۰			
ششم	۰.۰۸۴	A5 عملکرد دولت	۳.۰۰	۴.۰۰	۱.۰۰	۵.۰۰		
سوم	۰.۱۹۱	A6 ابعاد فرهنگی و عمومی	۴.۰۰	۳.۰۰	۵.۰۰	۳.۰۰	۴.۰۰	

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که مشاهده می‌شود عوامل سیاسی با ارزش ۰.۲۲۶، عوامل اقتصادی با ارزش ۰.۲۰۲، معیارهای مالی و حسابداری با ارزش ۰.۱۷۱، ترفیع بخش خصوصی با ارزش ۰.۱۱۹، عملکرد دولت با ارزش ۰.۰۸۴ و نهایتاً ابعاد فرهنگی و عمومی با ارزش ۰.۱۹۱ ماتریس ارزش مؤلفه‌های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیر مالی را تشکیل می‌دهند.

تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری

ماتریس خودتعاملی ساختاری SSIM از ابعاد و شاخص‌های مطالعه و مقایسه آن‌ها با استفاده از چهار حالت روابط مفهومی تشکیل می‌شود. این ماتریس توسط خبرگان و متخصصین فرآیند محوری تکمیل می‌گردد. اطلاعات حاصله بر اساس مدل سازی ساختاری تفسیری جمع‌بندی و ماتریس خودتعاملی ساختاری نهایی تشکیل گردیده است. منطق مدل سازی ساختاری تفسیری (ISM) منطبق بر روش‌های ناپارامتریک و بر مبنای مد در فراوانی‌ها عمل می‌کند. ماتریس خودتعاملی ساختاری متغیرهای پژوهش به شرح ذیل است:

جدول ۹. ماتریس خودتعاملی ساختاری مؤلفه های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیر مالی

مؤلفه های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیر مالی		A1	A2	A3	A4	A5	A6
		عوامل اقتصادی	معیارهای مالی و حسابداری	عوامل سیاسی	ترفع بخش خصوصی	عملکرد دولت	ابعاد فرهنگی و عمومی
عوامل اقتصادی	A1						
معیارهای مالی و حسابداری	A2	X					
عوامل سیاسی	A3	A	A				
ترفع بخش خصوصی	A4	X	O	A			
عملکرد دولت	A5	V	V	V	O		
ابعاد فرهنگی و عمومی	A6	V	V	V	O	A	

منبع: یافته های پژوهش

ماتریس دریافتی از تبدیل ماتریس خود تعاملی ساختاری به یک ماتریس دو ارزشی صفر و یک به دست می آید. برای استخراج ماتریس دریافتی در هر سطر ماتریس خود تعاملی به جای علائم X و V از عدد یک و به جای علائم A و O از عدد صفر استفاده می شود. ماتریس به دست آمده ماتریس دریافتی اولیه نام دارد. درایه های قطر اصلی برابر یک قرار می گیرد.

بعد از آنکه ماتریس به یک ماتریس صفر و یک تبدیل شد باید ماتریس ثانویه طراحی شود. در یک ماتریس دریافتی برای اطمینان باید روابط ثانویه کنترل شود. به این معنا که اگر A منجر به B شود و B منجر به C شود در این صورت باید A منجر به C شود. یعنی اگر بر اساس روابط ثانویه باید اثرات مستقیم لحاظ شده باشد اما در عمل این اتفاق نیفتاده باشد باید جدول تصحیح شود و رابطه ثانویه را نیز نشان داد.

جدول ۱۰. ماتریس دریافتی مؤلفه‌های خصوصی‌سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی

مؤلفه‌های خصوصی‌سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی		A1	A2	A3	A4	A5	A6
		عوامل اقتصادی	معیارهای مالی و حسابداری	عوامل سیاسی	ترفع بخش خصوصی	عملکرد دولت	ابعاد فرهنگی و عمومی
عوامل اقتصادی	A1	۰	۱	۱	۱	۰	۰
معیارهای مالی و حسابداری	A2	۱	۰	۱	۱	۰	۰
عوامل سیاسی	A3	۱	۰	۰	۱	۰	۰
ترفع بخش خصوصی	A4	۱	۱	۱	۰	۰	۰
عملکرد دولت	A5	۱	۱	۱	۱	۰	۱
ابعاد فرهنگی و عمومی	A6	۱	۱	۱	۱	۰	۰

منبع: یافته‌های پژوهش

ترسیم نمودار قدرت نفوذ-وابستگی

در مدل (ISM) روابط متقابل و تأثیرگذاری بین معیارها و ارتباط معیارهای سطوح مختلف به خوبی نشان داده شده است که موجب درک بهتر فضای تصمیم‌گیری به وسیله مدیران می‌شود. برای تعیین معیارهای کلیدی قدرت نفوذ و وابستگی معیارها در ماتریس دسترسی نهایی تشکیل می‌شود. از این ویژگی در تحلیل میک مک استفاده می‌شود.

جدول ۱۱. جدول قدرت نفوذ- وابستگی مؤلفه های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی

معیار	مجموعه مقدم	مجموعه متأخر	اشتراک	سطح
A1	۱ و ۲ و ۳ و ۴	۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵	۱ و ۲ و ۳ و ۴	۲
A2	۱ و ۲ و ۳ و ۴	۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵	۱ و ۲ و ۳ و ۴	۲
A3	۱ و ۲ و ۳ و ۴	۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵	۱ و ۲ و ۳ و ۴	۱
A4	۱ و ۲ و ۳ و ۴	۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵	۱ و ۲ و ۳ و ۴	۲
A5	۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵	۵	۵	۳
A6	۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶	۵	۵	۳

منبع: یافته های پژوهش

۵. نتیجه گیری

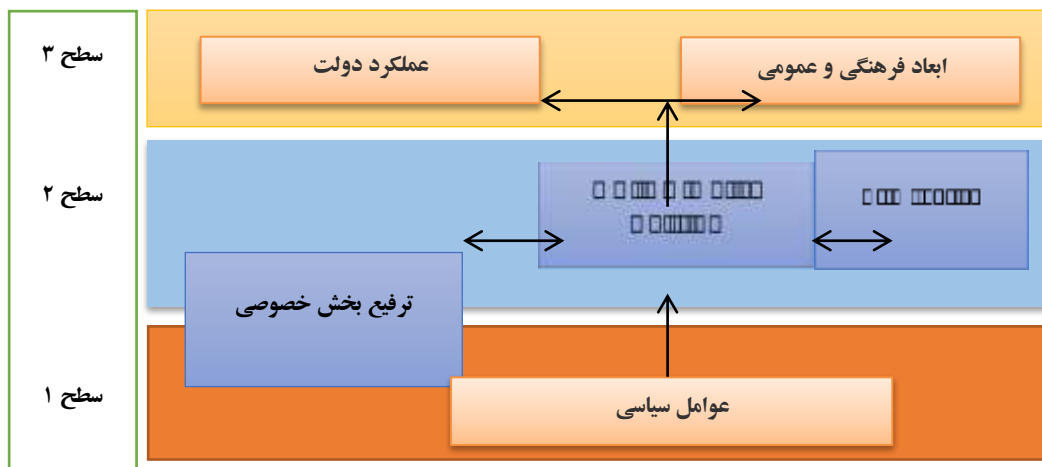
بر اساس بررسی های مبانی نظری و داده های جمع آوری شده از کارشناسان سازمان خصوصی سازی و پس از بررسی های انجام شده بر روی پرسشنامه مقایسه های زوجی معیارهای مورد بررسی، نتایج نشان می دهد که عوامل سیاسی با مقدار ۰.۲۲۶ در اولویت اول از مؤلفه های خصوصی سازی قرار گرفته و نیازمند توجه بیشتر کارشناسان است، در رتبه های بعدی عوامل اقتصادی با ارزش ۰.۲۰۲ در رتبه دوم، ابعاد فرهنگی و عمومی با ارزش ۰.۱۹۱ در رتبه سوم، معیارهای مالی و حسابداری با ارزش ۰.۱۷۱ در رتبه چهارم، ارتقای بخش خصوصی با ارزش ۰.۱۱۹ در رتبه پنجم و درنهایت عملکرد دولت با ارزش ۰.۰۸۴ در رتبه ششم اولویت بندی مؤلفه های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی قرار گرفته اند. همچنین نرخ سازگاری ۰.۰۰۷ در محدوده قابل قبولی قرار دارد. با توجه به بررسی های به عمل آمده از تحلیل ساختاری تفسیری و تحلیل مجدد یافته های پژوهش از ۶ بعد اصلی شناخته شده در زمینه مؤلفه های خصوصی سازی در مدلی با سه سطح به عنوان الگوی مؤلفه های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی معرفی می شود. بر این اساس عوامل سیاسی در بالاترین سطح و عوامل اقتصادی، معیارهای مالی و حسابداری و ارتقای بخش خصوصی در سطح دوم و عملکرد دولت و ابعاد فرهنگی و عمومی در رتبه سوم سطح الگوی مؤلفه های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی قرار گرفتند، دلیل این تفاوت به نسبت تحلیل سلسله مراتبی را می توان در آن جستجو کرد که مدل تحلیل ساختاری تفسیری به

دنبال الگوی بهینه یک موضوع است و تحلیل سلسله مراتبی به دنبال تعیین اولویت هر یک از معیارها است. این نتایج پتانسیل تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌ها در بخش خصوصی را دارد و برای نجات بخش خصوصی از ناکارآمدی، اولویت‌بندی مؤلفه‌های مالی و غیرمالی خصوصی‌سازی می‌تواند منجر به تغییر در شیوه‌های تصمیم‌گیری فعلی مدیران برای بخش خصوصی‌سازی شود. پژوهش‌های پیشین انجام شده در رابطه با خصوصی‌سازی در ایران بیشتر به ارزیابی آثار خصوصی‌سازی پرداخته‌اند و تاکنون در پژوهشی به بررسی معیارهای مالی و غیرمالی تأثیرگذار بر خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی پرداخته نشده است، ولی می‌توان گفت نتایج حاصل از این پژوهش با تحقیقات پیشین انجام شده زیر مطابقت دارد:

۱. نتایج حاصل از پژوهش رستم خانی و همکاران (۱۳۹۹) نشان داد که اهداف خصوصی‌سازی در شرکت‌های مورد بررسی تأمین نشده است و بخش‌های مختلفی از فرایند خصوصی‌سازی شامل آزادسازی، مقررات زدایی، بهبود فضای کسب و کار در ایران همچنان مغفول مانده است. در پژوهش حاضر نیز به دنبال شناسایی معیارها و عوامل مالی و غیرمالی مغفول مانده در ایران بودیم که نتایج نشان داد بیشترین معیارهای مغفول مانده در راستای خصوصی‌سازی در ایران، معیارهای سیاسی می‌باشند.

۲. در نتایج حاصل از پژوهش‌های جندق‌ای اردکانی و همکاران (۱۴۰۲)، لارابی و همکاران (۱۴۰۱)، موسویان و همکاران (۱۴۰۰)، جامی و همکاران (۱۳۹۸)، نشان داده شد که خصوصی‌سازی بر ابعاد مالی شرکت‌ها قبل و بعد از خصوصی‌سازی تأثیرگذار است که نتایج حاصل از پژوهش حاضر نیز نشان داد که عوامل اقتصادی، عوامل مالی و حسابداری بعد از عوامل سیاسی بیشترین تأثیر را در موفقیت یا شکست برنامه خصوصی‌سازی در ایران را دارند.

جدول ۱۲. مدل نهایی مؤلفه‌های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی



منبع: یافته‌های پژوهش

۶. توصیه‌ها و پیشنهادها جهت پژوهش‌های آتی

نتایج پژوهش نشان داد که معیارها و عوامل سیاسی در اولویت اول معیارهای خصوصی سازی شرکت‌های دولتی قرار گرفته است که نیازمند توجه بیشتر کارشناسان و پژوهشگران در پژوهش‌های آتی است. با توجه به نتایج پژوهش و همچنین معیارها و عوامل سیاسی تعیین شده توسط خبرگان و صاحب‌نظران سازمان خصوصی سازی پیشنهادهای زیر برای پژوهش‌های آتی عنوان می‌گردد:

۱. در کشورهای با سطوح بالای فساد، خصوصی سازی ممکن است به نفع گروه‌های خاص تمام شود. این امر می‌تواند به شکست این برنامه‌ها منجر شود. از این رو توصیه می‌شود در پژوهش‌های آتی میزان نفوذ اشخاص یا جناح‌ها در برنامه‌ریزی خصوصی سازی بررسی شود و تأثیر آن در خصوصی سازی بنگاه‌های دولتی مورد بررسی قرار گیرد.
۲. اگر دولت‌ها به طور واقعی متعهد به خصوصی سازی باشند و آن را به عنوان یک اولویت استراتژیک ببینند، احتمال موفقیت برنامه‌های خصوصی سازی افزایش می‌یابد در کشورهای با دولت‌های ضعیف یا دچار چالش‌های سیاسی، این اراده ممکن است وجود نداشته باشد از

این رو توصیه می‌شود در پژوهش‌های آتی ثبات سیاسی دولت و تأثیر آن بر خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی بررسی شوند.

۳. تحریم‌ها معمولاً مانع از دسترسی بنگاه‌های دولتی و خصوصی به بازارهای جهانی می‌شوند. این وضعیت می‌تواند توانایی این بنگاه‌ها برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و صادرات محصولاتشان را تحت تأثیر قرار دهد. در نتیجه این امر می‌تواند روند خصوصی‌سازی را کند سازد، زیرا بنگاه‌ها به دلیل نبود منابع و بازارهای جدید قادر به توسعه و رشد نیستند از این رو توصیه می‌شود در پژوهش‌های آتی تأثیر تحریم‌های بین‌الملل و همچنین توانایی ظرفیت‌های داخلی در برابر این تحریم‌ها و تأثیر آن بر خصوصی‌سازی بررسی شود.

۴. تأمین نیازهای عمومی مردم در فرایند خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی یکی از جنبه‌های حیاتی و مهم است که می‌تواند تأثیر زیادی بر موفقیت این برنامه‌ها داشته باشد از این رو توصیه می‌شود در پژوهش‌های آتی همسویی حمایتی برنامه‌ریزی خصوصی‌سازی و تأمین نیازهای عمومی مردم مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- آل نوری فروشانی، ه. (۱۴۰۱). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر تأمین مالی کسب‌وکارهای اجتماعی از طریق صنعت بانکداری، پنجمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، حسابداری، بانکداری و اقتصاد ایران، مشهد.
- بنایی قدیم، ر. (۱۴۰۲). عوامل مالی و غیرمالی مؤثر بر سلامت مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، اولین کنفرانس ملی ارتقای سلامت و چالش‌های حقوقی و پزشکی فراروی آن، مراغه.
- جندقی اردکانی، ف؛ عبدالرحیمیان، م. (۱۴۰۲). بررسی عوامل مالی و غیرمالی مؤثر بر تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار، پنجمین کنفرانس ملی و دومین کنفرانس بین‌المللی الگوهای نوین مدیریت کسب‌وکار در شرایط ناپایدار، تهران.
- رستگار، ا؛ اسکندر پور، ب. (۱۴۰۱). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر صورت‌های مالی متناسب با بازاریابی کارآفرینانه شرکت‌ها، ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۵(۶)، ۵۰۴-۵۳۴.
- رستم خانی، ح؛ حسنلو، ح. (۱۳۹۹). بررسی و برآورد تأثیر خصوصی سازی بر عملکرد مالی شرکت‌های دولتی، دومین کنفرانس ملی حسابداری، مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری، گرگان.
- زارع نژاد، م؛ داوودی، ا. (۱۳۹۲). تأثیر فرآیند خصوصی سازی بر شاخص‌های بهره‌وری و عملکرد مالی شرکت‌های واگذار شده، دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، کارآفرینی و توسعه اقتصادی، قم.
- سلیمی بنماران، م. (۱۴۰۱). عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی با رویکرد سودآوری، هشتمین کنفرانس ملی مهندسی عمران، معماری و شهر هوشمند، تهران.
- فروغی مازندرانی، ن؛ شاهوردیانی، ش. (۱۴۰۲). تعیین عوامل ناکارآمدی مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، نهمین کنفرانس بین‌المللی چشم‌اندازهای نوین در مدیریت، حسابداری و کارآفرینی، تهران.

فیاض، م؛ ابراهیمی، ب. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر خصوصی سازی بر عملکرد مالی و رشد و یادگیری کارکنان مطالعه موردی: نیروگاه شهید منتظری اصفهان، دومین کنفرانس ملی مدیریت راهبردی خدمات ۱۳۹۶، نجف آباد.

لارابی، ن؛ عین آبادی، ج. (۱۴۰۱). بررسی نقش خصوصی سازی در عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی (کارخانه سیمان خوزستان)، هشتمین کنفرانس بین‌المللی علوم مدیریت و حسابداری، تهران. مالکی، س. (۱۴۰۱). بررسی ارتباط کیفیت سود و خصوصی سازی شرکت، هفتمین همایش بین‌المللی مدیریت، حسابداری، اقتصاد و علوم اجتماعی، همدان.

موسویان، ح؛ فروزنده، ج. (۱۴۰۰). ارزیابی آثار خصوصی سازی بر عملکرد مالی و سودآوری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، اولین کنفرانس بین‌المللی جهش علوم مدیریت، اقتصاد و حسابداری، ساری.

مهدی زاده رستم، م؛ دهقان، ح؛ محبوبی فرد، م؛ بورنگی، م. (۱۴۰۰). بررسی مفاهیم و نظریه های خصوصی سازی و موفقیت های جهانی، فصلنامه علمی نگرش های نوین بازرگانی، ۳(۵)، ۱۴۰-۱۵۵.

مهری، ع؛ عزیزیان کهن، ن؛ محمدی انگوت، ا. (۱۴۰۲). تأثیر خصوصی سازی و تبلیغات بر درآمدزایی باشگاه های ورزشی شهرستان اردبیل، اولین همایش ملی علوم ورزشی با رویکرد ورزش های همگانی، اردبیل.

Barut, A., Citil, M., Ahmed, Z., Sinha, A., & Abbas, S. (2023). How do economic and financial factors influence green logistics? A comparative analysis of E7 and G7 nations. *Environmental Science and Pollution Research*, 30(1), 1011-1022.

Cheteni, P., Shindika, A., Umejesi, I. (2024). Privatization of public enterprises in the emerging market: Problems and prospects. *Journal of Governance and Regulation*, 13(2), 172-180.

Kaiser, J., Haase, D., & Krueger, T. (2023). Collective payments for ecosystem services: a counterpart of commodification and privatization trends in nature conservation?. *Ecology and Society*, 28(1).

Liahmad, K. R., Utami, Y. P., & Sitompul, S. (2021). Financial factors and non-financial to financial distress insurance companies that are listed on the Indonesia Stock Exchange. *Budapest International Research and Critics Institute (BIRCI-Journal): Humanities and Social Sciences*, 4(1), 1305-1312.

- Nuti, D. M. (2023). *Mass privatization: costs and benefits of instant capitalism*. In Collected Works of Domenico Mario Nuti, Volume I: Socialist Economic Systems and Transition (pp. 441-473). Cham: Springer International Publishing.
- Radić, M., Ravasi, D., & Munir, K. (2021). *Privatization: Implications of a shift from state to private ownership*. *Journal of Management*, 47(6), 1596-1629.
- Starr, P. (2019). The new life of the liberal state: Privatization and the restructuring of state-society relations. In *The political economy of public sector reform and privatization* (pp. 22-54). Routledge.
- Triebbs, T. P., & Pollitt, M. G. (2019). Objectives and incentives: evidence from the privatization of Great Britain's power plants. *International Journal of Industrial Organization*, 65, 1-29.

فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی